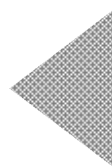


## شادی و اقتصاد: یک تحلیل انتقادی



دکتر عبدالمحمد کاشیان<sup>۱</sup>

صائمه کریمی زارع<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۹۸/۱۲/۲۱ - تاریخ تصویب ۹۹/۴/۲)

نوع مقاله: علمی پژوهشی

### چکیده

تصور رایج در خصوص رابطه شادمانی و اقتصاد این است که هر چه سطح اقتصادی جامعه برحسب شاخص‌هایی چون درآمد سرانه و دستاوردهای رفاهی، بهداشتی و آموزشی، در سطح بالاتری قرار گیرد، جامعه شادی بیشتری را تجربه خواهد کرد. ورود «اقتصاد شادمانی» به ادبیات اقتصادی و برخی از تحقیقات پایه گذار نشان داد علی‌رغم بهبود مؤلفه‌های فوق، افراد ممکن است نوعاً ناشادتر از گذشته باشند و بر این اساس صرف هدف‌گذاری بر مؤلفه‌های فوق نمی‌تواند منجر به احساس رضایت و شادکامی بیشتر در انسان‌ها شود که این موضوع بعدها به تناقض استرلین معروف شد. ادعای مقاله حاضر این است که از آنجا که اقتصاد شادی حوزه‌ای جدید از مطالعات میان‌رشته‌ای را به خود اختصاص داده و به دنبال راه‌هایی برای تبیین علل شاد زیستن انسان‌ها است، ابتدائاً می‌توان پیش‌بینی کرد که با حفظ کردن پارادایم فکری حاضر، تحلیل‌گران جریان اصلی اقتصاد در تجزیه و تحلیل علل ناشادی هرچند در زمینه‌هایی موفق اما در مجموع ناکام خواهند ماند. علل این ناکامی را می‌توان در رویکردهای انسان‌شناسانه جستجو

۱ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول) a.m.kashian@profs.semnan.ac.ir

۲ کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه سمنان

کرد؛ به این معنا که به دلیل تسلط نگاه انسان شناسانه ماتریالیستی در میان تحلیل‌گران اقتصادی، نسخه‌هایی که برای شادی انسان‌ها تجویز می‌شود، در برخی از موارد فاقد اعتبار هستند و یا اینکه کفایت لازم را ندارد. این مقاله ضمن بررسی نادرستی نگاه انسان شناسانه در ادبیات اقتصادی رایج، به ارائه یک چارچوب انسان‌شناسی از منظر اسلام پرداخته و رویکرد بدیلی را برای اقتصاد شادی از منظر اقتصاد اسلامی ارائه می‌نماید که می‌تواند در جهت سیاست‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد، شادی، انسان‌شناسی، اسلام، روانشناسی

## ۱- مقدمه

در سال‌های اخیر مفهومی به نام «اقتصاد شادمانی» وارد متون اقتصادی شده است و برخی از اقتصاددانان سعی می‌کنند در چارچوب آن، به این پرسش پاسخ دهند که چرا به‌رغم پیشرفت دهه‌های گذشته جوامع برحسب شاخصی چون درآمد سرانه و دستاوردهای رفاهی، بهداشتی و آموزشی، افراد بشر نوعاً ناشادتر از گذشته است؟ اگر هدف و غایت نهایی فرآیند توسعه، خلق جامعه‌ای شاد و بانشاط باشد در این صورت در این باره باید تأمل کرد و ریشه‌های ناشادی جوامع را به‌رغم پیشرفت‌های انسانی شناسایی کرد. به نظر می‌رسد ریشه اصلی ناکامی اقتصاددانان ارتدکس در ترسیم یک جامعه بانشاط و شاد، به برداشت غلط فیلسوفان غربی از ماهیت انسان، به‌تبع آن انسان‌شناسی ماتریالیستی در میان اقتصاددانان غرب است. به‌طور کلی در حوزه انسان‌شناسی به شناخت انسان و نیازهای او و غایت زندگی او پرداخته می‌شود. در وهله اول به نظر می‌رسد که هم‌زمان با جریان روشنفکری و غلبه جریان‌های ماتریالیستی، فیلسوفان و به‌تبع آن اقتصاددانان تنها به بعد مادی انسان توجه داشتند و غایت و آمال زندگی انسان را در بهینه‌سازی رفاه مادی آن می‌دانستند. این جریان در میان پایه‌گذاران فایده‌گرایی مانند جان استوارت میل و بنتهام که لذت را اوج خواسته‌های انسان می‌دانستند، ریشه دوانده و بعدها به طرق متعددی در اقتصاد وارد شد. مطلوبیت‌گرایی و بیشینه کردن سطح مصرف به‌منظور بالاترین سطح مطلوبیت بخشی از نمادهای ورود این تفکر در میان اقتصاددانان است. با این وجود هم‌زمان با بهبود سطح زندگی مادی افراد و کمتر لذت بردن آن‌ها از زندگی این تصور به وجود آمد که الزاماً ارتقای سطح مادی زندگی افراد به بهبود مطلوبیت و لذت آن‌ها منجر نمی‌شود. به همین دلیل مباحث

مربوط به روان انسان در کنار ابعاد مادی انسان پا به عرصه گذاشت و این تفکر را به وجود آورد که انسان علاوه بر نیازها مادی به نیازهای روانی نیز باید پاسخ منطقی دهد و این موضوع تا حدی به بهبود شرایط منجر شد. با این وجود هنوز به نظر می‌رسد که نوع نگاه رایج به انسان سبب شده است که برداشت صاحب‌نظران اقتصادی از انسان برداشت ناکاملی باشد و به جنبه‌هایی از ویژگی‌های انسان توجهی نشود. در نتیجه، عدم توجه به این جنبه‌ها سبب خواهد شد اقتصاد شادی نیز به‌مانند سایر مطالعات مربوط به شادکامی انسان‌ها ناموفق باشد و نسخه ناتمام و ناقصی برای انسان‌ها تجویز نماید. بر این اساس این مطالعه در ابتدا ضمن بررسی ادبیات پیشین در این زمینه به تشریح اقتصاد شادی و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شادی از منظر صاحب‌نظران خواهد پرداخت و شاخص‌سازی‌های صورت گرفته در این زمینه را شرح خواهد داد. در ادامه ضمن تبیین تفاوت‌های انسان شناسانه در اسلام و غرب، بیان خواهد داشت که هر یک از جنبه‌های انسان‌شناسی غربی و اسلامی خروجی‌های متفاوتی در مورد اقتصاد شادمانی خواهد داشت و در نتیجه شاخص‌سازی این موضوع نیز متفاوت خواهد شد. در پایان ضمن تحلیل داده‌های موجود و با توجه به دستاوردهای مثبتی بر انسان‌شناسی از منظر اسلام، شاخصه‌هایی برای سنجش شادی در جامعه از منظر اقتصاد اسلامی بیان خواهد شد.

## ۲- مبانی نظری تحقیق

### ۲-۱- تعریف شادمانی

تعریف شادمانی ریشه در دوران باستان و حتی فراتر از آن دارد که از جمله ارسطو شادمانی را در ۳ سطح تعریف می‌کند. از نظر وی دست کم سه نوع شادی وجود دارد و در پایین‌ترین آن‌ها شادی را همان لذت می‌داند، سطح بالاتر از شادی همان موفقیت و کامیابی است و نوع سوم شادی از نظر او شادی و نشاط ناشی از معنویت و دین می‌باشد (ایسنک<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰: ۸۴). در عصر حاضر نیز تعاریف متعددی ارائه شده است. ایون کچین، مؤسس باشگاه هپینس<sup>۲</sup>، شادی را احساس بهزیستی درونی که افراد را برای سود بردن از تفکرات، هوش، خودآگاهی، حس

1- Eysenck

۲- Happiness

مشترک و ارزش‌های معنوی توانا می‌سازد، تعریف می‌کند. از نظر مارتین، شادی فراتر از دریافت لذت‌های فوری و لحظه‌ای است. شادی حالتی است که فرد در این حالت، به این احساس و باور می‌رسد که زندگی او در مسیر صحیح و خوب جریان دارد (علوی، ۱۳۸۸). در میان متفکران مسلمان نیز شهید مطهری شادی را این‌گونه تعریف می‌کند: شادی سرور، حالت خوشی و لذت بخشی است که از علم و اطلاع بر اینکه یکی از هدف‌ها و آرزوها انجام یافته است و یا انجام خواهد یافت به انسان دست می‌دهد (رستمی، ۱۷، ۱۳۸۴). در تعاریف دیگر گفته شده که وقتی آدمی نیازهایش ارضاء می‌شود و به چیزهای موردعلاقه‌اش دست می‌یابد احساس و هیجانی در او پدید می‌آید که از آن به شادی و نشاط تعبیر می‌شود و با واژه‌هایی چون شادمانی سرور، وجد، سرخوشی، مسرت، خوشی و خوشحالی هم‌معناست. از این منظر شادی، حالتی است که بر اثر آن، درد و رنج‌های روحی در انسان به کمترین حد خود می‌رسد و سرور باطنی انسان، آشکار و برای مدتی از قید غم‌ها آزاد می‌شود. شادی، احساس مثبتی است که در پی خرسندی و پیروزی پدیدار می‌شود. انسان در برابر عوامل بیرونی و درونی، واکنش‌های مختلفی مانند شادی، خشم، ترس و اندوه از خود نشان می‌دهد که به آن‌ها هیجان گفته می‌شود. این هیجان‌ها به عوامل پدیدآورنده، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های انسان بستگی کامل دارد که گاه مثبت و گاه منفی است (تقی زاده و زمانی، ۱۳۹۳). در تعریف دیگری از متفکران مسلمان این‌گونه بیان شده است که فرح یک نوع ابتهاج روحی و انبساط قلبی می‌باشد که باعث سرور و خوشحالی در وجود انسان می‌شود و این یک معنی وسیع و مفهوم کلی دارد. گاهی معلول مادیات است، گاهی معلول معنویات. در واقع انسان هر گاه به خواسته‌های خود برسد و به آنچه موردعلاقه‌اش است مانند، مال، قدرت و نفوذ، موفقیت، علم یا ایمان و تقوا نائل آید، در خود حالتی از شادی و سرور احساس می‌کند؛ بنابراین شادی امری نسبی و مبتنی بر اهداف انسان در زندگی است. (عامری مهر، ۱۳۸۳، ۴۶). در همه‌ی مواردی که تغییرهای سعادت، فلاح و فوز و سعادت و امثال این موارد در قرآن کریم به کار رفته است معنایش همین است که چون انسان فطرتاً طالب سعادت، خوشبختی، کامیابی و شادمانی می‌باشد بنابراین باید به دستورات دینی عمل کند تا بدین طریق بتواند مطلوب گم‌شده خود را باز یابد و به ایده و هدفی که دنبال می‌کند برسد بدین معنی که از دید قرآن، وجود این گرایش فطری در انسان مفروض و مورد تأیید است و قرآن آن را نفی و محکوم نمی‌کند، بلکه آن را در مسیر تربیتی صحیح انسان جهت می‌دهد.

(اسکندری، ۱۳۷۶، ج ۲، ۱۸۹).

## ۲-۲- مروری بر ادبیات پیشین

در طول نیمه دوم قرن بیستم درآمد سرانه در بیشتر کشورها افزایش یافت. با این وجود، این سؤال مطرح شد که چرا علی‌رغم افزایش درآمد سرانه کشورها، با افزایش شادی مواجه نبودیم؟ ریچارد استرلین اولین کسی بود که بررسی این سؤال پرداخت و در مقاله‌ای با عنوان آیا رشد اقتصادی سرنوشت انسان را بهبود می‌بخشد؟ به این سؤال پاسخ منفی داد. وی نشان داد که در آمریکا طی سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۷۴ با وجود دو برابر شدن درآمد سرانه، شادی در سطح قبلی باقی می‌ماند (وین هون، ۲۰۰۳: ۱). اشکال مطرح شده از سوی وی به تناقض استرلین معروف شد (قربانی و طغیانی، ۱۳۹۵). از زمانی که استرلین اولین بار فرضیه بسیار مهم «پول مهم است، اما تاندازه‌ای» را در سال ۱۹۷۴ بیان کرد دیگر نمی‌توان گفت به اندازه کافی پول‌دار بودن و درآمدهای زیاد به خوشحالی منجر خواهد شد. تناقض مورد ادعای استرلین، بستر ساز تولید ادبیات جدیدی در فضای ارزیابی توسعه یافتگی جوامع با عنوان اندازه سطح شادکامی جامعه گردید. بعد از انتشار اولین مقاله استرلین، برخی از محققان به تشکیک در ملاک‌های مورد استفاده وی برای تفسیر مشاهدات تاریخی پرداختند. این روند تا جایی ادامه پیدا کرد که در تصمیم‌گیری‌های اخیر موضوع شادی به یکی از دغدغه‌های جدی متولیان توسعه در جهان تبدیل شده است (سازمان راه‌حل‌های شبکه‌ای توسعه پایدار، ۲۰۱۳: ۱۵۲). بسیاری از تحقیقات در این زمینه به بررسی عوامل مؤثر بر شادی تمرکز داشته است. بررسی‌های صورت گرفته در این خصوص از جمله نخستین گزارش شادکامی جهان بیان می‌کند که به‌طور متوسط مردم ثروتمند شادکام‌تر از مردم فقیر هستند اما ثروت تنها یکی از عوامل مؤثر بر شادکامی است، عواملی مانند آزادی شخصی، نبود فساد، حمایت اجتماعی و اعتقادات مذهبی از اهمیت بیشتری برخوردارند. شادی و نشاط به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی بشر، به دلیل تأثیرات عمده‌ای که بر شکل‌گیری شخصیت آدمی و در یک کلام مجموعه زندگی انسان داده همیشه ذهن انسان را به خود مشغول کرده است (میر شاه جعفری و همکاران ۱۳۸۱). وینهون (۱۹۸۹) به بررسی رابطه بین ثروت ملی و رضایت از زندگی فردی پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان داده که در جوامع اروپایی بعد از جنگ به دلیل بهبود وضعیت اقتصادی، رضایت از زندگی و خوشحالی نیز در این کشورها افزایش یافته است. در واقع او برخلاف کسانی که رضایت از زندگی و شادی را مستقل

از شرایط اقتصادی دانسته‌اند، یک رابطه مستقیم بین رضایت از زندگی و سطح اقتصادی را به اثبات رسانید. طبق نتایج وی در کشورهای ثروتمند مردم خوشحال‌تر از کشورهای فقیر خواهند بود. کنی (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای اثرات متقابل رشد اقتصادی بر شادی و شادی بر رشد اقتصادی را بررسی کرده و پاسخ می‌دهد کدام باعث دیگری است؟ نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که هر دو می‌توانند بر یکدیگر اثر داشته باشند؛ با این وجود بر اساس این مطالعه، سطح رفاه اقتصادی واقعی، شرط لازم برای شادی افراد است؛ اما شواهد زیادی وجود دارد که وقتی استانداردهای زندگی واقعی حاصل می‌شود، رابطه بین رشد و شادی از بین می‌رود. فری و استوروز (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان «شادی، اقتصاد و نهادها» نشان دادند که عوامل نهادی در فرم دموکراسی و ساختار فدرالی میزان رفاه افراد را افزایش می‌دهد که این تأثیر مثبت می‌تواند ناشی از مشارکت سیاسی آن‌ها باشد. همچنین نتایج نشان داده است که بیکاری به شدت بر میزان شادی و رضایت از زندگی اثر منفی خواهد داشت؛ در حالی که سطح درآمد و شادی تا حدی با یکدیگر رابطه مستقیم دارند.

بخش زیادی از تحقیقات در حوزه اقتصاد شادی به موضوع مذهب نیز ورود کرده‌اند و خواسته‌اند نقش مذهب را در این امر بررسی نمایند. فری و استوروز (۲۰۰۰) در زمینه اثرگذاری مذهب بر رضایت از زندگی و رفاه ذهنی نشان دادند که مذهب اثر مثبتی بر رضایت از زندگی و شاد زیستن دارد. دی تلا و همکاران (۲۰۰۳) در تحقیقات خود که متمرکز بر سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۲ اتحادیه اروپا بوده است، نشان دادند که کاهش نرخ بیکاری سبب افزایش رضایت از زندگی شده است. دلیل این مسئله می‌تواند اثرات مستقیم بیکاری بر جرم و جنایت و امور مالی و همچنین وضعیت بد اقتصادی باشد. در دهه‌های اخیر جدای از مؤلفه‌های اقتصادی به نقش مذهب در ایجاد شادکامی در تحقیقات اقتصادی توجه خاصی شده است. تائو (۲۰۰۸) به بررسی نقش مذهب بر سلامت جوامع پرداخته و مؤثر بودن آن را تأیید کرده و نشان داده است که این شاخص در جوامع سالم‌تر رفاه را بیشتر افزایش می‌دهد. هلی ول، (۲۰۰۹) اهمیت درآمد را در مقابل عوامل دیگر تأثیرگذار بر شادکامی افراد را مورد آزمون قرارداد و دریافت که درآمد اگرچه قابل توجه است ولی از متغیرهای دیگر کم‌اهمیت‌تر است. لیم و پاتنام (۲۰۱۰) به ارزیابی رابطه بین دین و مذهب و رضایت از زندگی پرداختند. آن‌ها با استفاده از داده‌های ترکیبی نشان داده‌اند که مردم مذهبی از زندگی خود راضی‌تر هستند، زیرا آن‌ها مرتباً در مراسم مذهبی

شرکت و با دوستان خود ملاقات می‌کنند. به همین صورت هدی و همکاران (۲۰۱۰) با استفاده از داده‌های اجتماعی و اقتصادی آلمان به این نتیجه دست یافته‌اند که افراد مذهبی‌تر از زندگی رضایت بیشتری دارند، در حالی که کسانی که به دین و مذهب اعتقاد کم‌تری دارند، رضایت کم‌تری از زندگی خواهند داشت. امالسوویک پرو ویک و همکاران (۲۰۱۱) نیز به این جمع‌بندی رسیده‌اند که در بین قشرهای مختلف مذهبی جوامع، مسلمانان از زندگی رضایت بیشتری دارند. به عبارتی در داخل گروه‌های مذهبی مختلف نیز نوع اعتقاد مردم بر شادی اثرات متفاوتی دارد. همچنین کامپینت و یاناگیزاوا درو (۲۰۱۳) به بررسی اثرات اعمال مذهبی مسلمانان، بر رشد اقتصادی و احساس رضایت از زندگی پرداختند و بر مبنای نتایج مطالعات آن‌ها، باینکه برخی موارد نظیر روزه ماه رمضان بر رشد اقتصادی اثر منفی به‌جا می‌گذارد ولی سبب افزایش بهزیستی و رضایت از زندگی در مسلمانان می‌شود.

مؤلفه‌های دیگری که در سنجش میزان شادکامی افراد مورد بررسی قرار گرفته است آزادی است. گرو پر و همکاران (۲۰۱۱) با استفاده از اطلاعات بیش از ۱۰۰ کشور جهان رابطه بین شادی و آزادی اقتصادی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج آن‌ها حاکی از رابطه مثبت بین شادی و آزادی اقتصادی بوده است. با توجه به بررسی‌های انجام شده می‌توان به این نتیجه رسید که تولید ناخالص داخلی سرانه نیز اثر قوی و مثبتی بر شادی داشته است؛ بنابراین مردم در کشورهای شادتر و ثروتمندتر، زندگی طولانی خواهند داشت.

مطالعات داخلی نیز موضوع شادمانی و رضایت افراد را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند و به شناسایی عوامل مؤثر بر آن روی آورده‌اند. عابدی (۱۳۸۱) در تحقیق خود اشاره دارد بر اینکه تأثیر درآمد بر شادی در کشورهای با درآمد پایین بیشتر از کشورهای با درآمد بالاتر است و این امر شاید به این دلیل باشد که در این کشورها پول، نیاز به غذا، مسکن و سایر نیازهای اساسی را برآورده می‌کند. چلبی و موسوی (۱۳۸۸) معتقدند در بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان می‌توان شادمانی را به‌عنوان یکی از احساسات ریشه‌ای مثبت که نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین سلامت فرد و جامعه دارد در نظر گرفت. شادمانی همواره با خرسندی، خوش‌بینی و امید و اعتماد همراه است و از این رو می‌تواند به‌عنوان یک کاتالیزور، نقش تسریع‌کننده‌ای در فرآیند توسعه‌ی جامعه داشته باشد. کُرمی نوری و همکاران (۱۳۸۱) احساس بهزیستی و رضایت‌مندی ۲۷۵ دانشجوی دانشگاه تهران را بر اساس مؤلفه‌های گوناگونی

نظیر اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و عاطفی مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج حاکی از آن است که رشته تحصیلی و زندگی با خانواده در احساس رضایت‌مندی، نقش مؤثری دارد. از میان مؤلفه‌های گوناگون، سلامت جسمانی اصلی‌ترین مؤلفه و وضعیت اقتصادی، استقلال و شغل در مراتب بعدی قرار خواهند گرفت. همچنین جنسیت نیز بر این شاخص تأثیرات متفاوتی داشته است. کچ باف و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی دانشجویان دانشگاه اصفهان پرداخته‌اند. آن‌ها در پژوهش خود روش پرسشنامه‌ای که حاوی سؤالاتی در زمینه شادکامی، رضایت از زندگی و سبک زندگی اسلامی بوده بر مبنای نتایج این تحقیق سبک زندگی اسلامی و شادکامی با رضایت از زندگی رابطه مثبت و معناداری دارد. محمدزاده و همکاران (۱۳۹۲) به تحلیل چگونگی تأثیر برگ خریدهای اقتصادی مانند درآمد، ثروت و اشتغال و نیز برگ خریدهای غیراقتصادی مانند ویژگی‌ها و خصوصیات شخصی و برگ خریدهای جمعیتی، بر میزان شادکامی می‌پردازد. برخلاف تحقیقاتی که مذهب را عامل ارتقای شادمانی می‌دانند، محمدیان منصور (۱۳۹۴) عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر شادی را شناسایی کرده و به این منظور از متغیرهای درآمد سرانه، نرخ بیکاری، امید به زندگی، متوسط سال‌های تحصیل و محدودیت‌های مذهبی و تخمین زن GLST اطلاعات مقطعی ۶۱ کشور در سال ۲۰۱۰ استفاده شده است. نتایج حاکی از وجود یک رابطه خطی بین درآمد سرانه و شادی است؛ به گونه‌ای که با افزایش درآمد، شادی نیز افزایش می‌یابد. نرخ بیکاری اثر کاهنده و متوسط سال‌های تحصیل نیز در سطح معناداری پایین‌تری نسبت به سایر متغیرهای مدل، اثر مثبت بر شادی دارد. افزایش محدودیت‌های دولت و خصومت‌های اجتماعی نیز به‌عنوان شاخص‌های اندازه‌گیری محدودیت‌های مذهبی با شادی کمتری در جوامع همراه شده است. نکته قابل توجه در این مقاله برداشت ناصواب از دین و معادل گرفتن آن با محدودیت‌های موجود است. لذا در یک نتیجه‌گیری کلی حاصل از بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر می‌گوید کشورهای ثروتمندتر، با نرخ بیکاری و محدودیت‌های مذهبی کم‌تر و با متوسط عمر و سطح تحصیلات بالاتر، شادتر هستند.

در میان مطالعات داخلی، مقاله صمدی و طغیانی (۱۳۹۵) ره‌آورد قابل توجهی برای مطالعات حوزه علوم انسانی اسلامی دارد. در این مقاله یکی از جدیدترین شاخص‌های مورد استفاده برای ارزیابی پیشرفت جوامع، «شاخص جهانی شادی» مد نظر قرار گرفته است. این شاخص برای



سنجش سطح شادکامی افراد از ۷ نماگر اصلی همچون سرانه تولید ناخالص داخلی، حمایت اجتماعی، امید به زندگی سالم، آزادی در انتخاب زندگی، سخاوت، ادراک فساد و آسایش خاطر استفاده می‌نماید. مؤلفان به بررسی انتقادی این شاخص با رویکرد اسلامی و ارزیابی توانایی آن جهت ارزیابی سطح شادکامی در جوامع مسلمان پرداخته که بر اساس یافته‌های پژوهش، شاخص جهانی شادی از جهت تعریف مفهوم شادی و نشاط و همچنین مؤلفه‌های پیشنهادی با آموزه‌های اسلامی سازگاری ندارد. از این رو، این شاخص نمی‌تواند به‌عنوان یک ابزار قابل اعتماد تصویر درستی از سطح شادکامی در جوامع اسلامی و در نتیجه میزان پیشرفت آن‌ها ارائه نماید. مقاله حاضر هر چند اشاراتی از اسلام برای اثبات مدعای خود بیان می‌دارد، اما از دو مسئله اصلی رنج می‌برد: ۱- نپرداختن به مبانی متافیزیکی حاکم بر اقتصاد شادی خصوصاً مبادی انسان‌شناسی و صرف بررسی روبنایی ۲- دوران بین دایکاتومی اثباتی هنجاری به این معنی که ادبیات اقتصاد شادی سعی بر بیان اثباتی مؤلفه‌های اقتصاد شادی دارد در حالی که مقاله حاضر به بررسی هنجاری مسئله پرداخته است. بررسی ادبیات پیشین در این زمینه دلالت بر آن دارد که هر چند تحقیقات متعددی در خصوص اقتصاد شادی صورت گرفته است، اما همه این تحقیقات با مفروض گرفتن مبانی متافیزیکی این حوزه قلم خورده‌اند و تمایلی برای نقد و بررسی این مسئله مهم نداشته‌اند. مقاله صمدی و طغیانی (۱۳۹۵) نیز هر چند رویکرد اسلامی داشته است، اما در عمل جز به روبنا پرداخته است و ملاک‌هایی که پیشنهاد داده جامع و مانع نیست.

### ۲-۳- نگاهی جدید به اقتصاد شادمانی

اقتصاد شادکامی<sup>۱</sup> حوزه نسبتاً جدیدی در اقتصاد است که در سال‌های اخیر جایگاه مهمی در معادلات سیاست‌گذاری بسیاری از کشورها پیدا کرده است. اقتصاددانان در این حوزه با مفهوم رفاه ذهنی سروکار دارند. اگرچه استفاده از رویکرد اقتصاد شادکامی سابقه چندانی ندارد، امروزه بسیاری از کارشناسان اقتصادی بر اهمیت این حوزه در سیاست‌گذاری کلان تأکید دارند. از آنجا که سیاست‌گذاران عموماً در جهت افزایش رفاه و رضایت عمومی تصمیم‌گیری می‌کنند، کمیت بخشی به مفهوم رفاه ذهنی اهمیت پیدا می‌کند. در اندازه‌گیری رفاه ذهنی اقتصاددانان از دو رویکرد استفاده می‌کنند. رویکرد باسابقه‌تر در این زمینه کمی سازی رفاه

۱- Economics of happiness

اقتصادی با استفاده از متغیرهای عینی است. مهم‌ترین متغیر مورد استفاده در این رویکرد سطح درآمدی افراد است؛ اما در رویکرد دوم که حاصل از نگاه روان‌شناسانه به مفهوم رضایت و رفاه ذهنی است، متغیرهای ضمنی برای اندازه‌گیری رفاه ذهنی مورد استفاده قرار گرفتند. داده‌های مورد نیاز در این روش از طریق پرسشنامه گردآوری می‌شوند. در مقوله مورد بحث این تحقیق، اقتصاد شادی شاخه‌ای جدید از مطالعات اقتصادی که به‌طور معمول با ترکیب اقتصاد با زمینه‌های دیگر مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به مطالعه کمی و نظری از شادی، احساسات مثبت و منفی، رفاه، کیفیت زندگی، رضایت از زندگی و مفاهیم مرتبط آن می‌پردازد و در تحلیل‌های شادی به مباحث اقتصادی از آنجا نشئت گرفته می‌شود (لو و لی، ۲۰۰۹)<sup>۱</sup>. همان‌گونه که قبلاً هم بیان شد شروع بحث اقتصاد شادی از تناقض استرلین است. استرلین همبستگی بین رشد اقتصادی و شادی افراد را مورد آزمون قرار داده و اذعان داشته که ارتباطی بین توسعه اقتصادی جوامع با متوسط سطح شادی مردم وجود ندارد که این مسئله به تناقض استرلین شهرت یافته است که بعدها رد شده است. یکی از مهم‌ترین وظایف پژوهشگران شادی، تجزیه و تحلیل این مسئله است که چه شرایطی بر سطح شادی و رضایت‌مندی فرد و جامعه تأثیر می‌گذارد؛ اما نکته اصلی که باید در این مطالعه مورد توجه قرار گیرد، این است که پژوهش‌های مربوط به شادی اقتصادی نباید فقط به تحلیل فاکتورهای اقتصادی بر روی رفاه ذهنی افراد یا همان مقوله شادی، محدود شود. مطالعاتی که در زمینه شادی وجود دارند، می‌کوشند تا اهمیت نسبی جنسیت، شخصیت، عوامل اجتماعی جمعیت شناختی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را به‌صورت کمی و کیفی مشخص کنند.

## ۲-۴- شاخص‌سازی برای شادی

ماحصل بحث‌های صورت گرفته در زمینه اقتصاد شادی، شاخص‌سازی در این زمینه به منظور سنجش میزان شادی در جامعه و عوامل مؤثر بر آن است. شاخص‌سازی با تقلیل‌گرایی همراه است به این معنا که شاخص‌ها همه واقعیت را نشان نمی‌دهند و صرفاً نماد مختصری از واقعیت‌اند و محدودیت در شاخص‌سازی همیشه وجود داشته است. بخش زیادی از ادبیات اقتصاد شادی به بررسی شاخص‌هایی کمی می‌پردازد تا از این طریق میزان شادکامی در کشورهای مختلف را

موردبررسی قرار دهد. شاخص شادی وون هوون، شاخص سیاره شاد، شاخص شادی ناخالص ملی، شاخص زندگی بهتر و شاخص جهانی شادی پنج مورد از مهم‌ترین این شاخص‌های محسوب می‌شوند. در جدول زیر هر یک از این شاخص‌ها و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن را می‌توان ملاحظه نمود.

### جدول (۱)- شاخص‌های سنجش شادی در اقتصاد و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن (صمدی و طغیانی، ۱۳۹۵)

نام شاخص	سال	طراح	تعداد نماگرها	مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده
شاخص شادی وون هوون	۱۹۸۴	ون هوون (استاد هلندی روانشناسی اجتماعی)	۴ نماگر	متوسط شادی، سال‌های شاد زندگی، نابرابری شادی و نابرابری تعدیل‌شده شادی
شاخص سیاره شاد	۲۰۰۶	بنیاد اقتصاد نوین انگلستان	۳ نماگر	امید به زندگی، رفاه تجربه‌شده و آثار زیست محیطی
نام شاخص	سال	طراح	تعداد نماگرها	مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده
شاخص شادی ناخالص ملی	۲۰۱۰	مرکز مطالعات بوتان	۳۳ نماگر و ۱۲۴ متغیر در ۹ بُعد	سلامت روان، تندرستی، تحصیلات، تنوع فرهنگ، استفاده از زمان، حکمرانی خوب، سرزندگی جامعه، تنوع زیست محیطی و تاب‌آوری و استانداردهای زندگی و...
شاخص زندگی بهتر	۲۰۱۱	سازمان همکاری اقتصادی و توسعه OECD	۵۰ نماگر در ۱۱ بُعد	درآمد و ثروت، شغل و عایدی، شرایط مسکن، وضعیت سلامت، تعادل کار-زندگی، آموزش و مهارت‌ها، ارتباطات اجتماعی، مشارکت مدنی و حکمرانی، کیفیت محیط زیست، امنیت شخصی و آسایش خاطر و...
شاخص جهانی شادی	۲۰۱۲	مؤسسه زمین دانشگاه کلمبیا با همکاری چند مرکز دیگر	۹ نماگر	متوسط شاخص شادی (با استفاده از تکنیک نردبان زندگی)، رضایت از زندگی، عواطف مثبت، عواطف منفی، خالص عواطف و...
	۲۰۱۵	سازمان راه‌حل‌های شبکه‌ای توسعه پایدار SNSD	۷ نماگر اصلی و ۱۲ متغیر	سرانه تولید ناخالص داخلی، حمایت اجتماعی، امید به زندگی سالم، آزادی در انتخاب زندگی، سخاوت، امراک‌ها از فساد و آسایش خاطر

### ۲-۵- شادی امری محسن و معیاری صحیح اما مقید در سیاست‌گذاری جامعه اسلامی

بررسی آیات و روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام دلالت بر آن دارد که مقوله شادی یک امر محسن در اسلام است و اینکه سیاست‌گذاران جامعه از شادی به‌عنوان یک شاخص سلامت روانی و اقتصادی بهره‌گیرند، پشتوانه منطقی دارد. با این وجود شادمانی در اسلام دو جنبه پسندیده و نکوهیده دارد. جنبه پسندیده آن هر وجهی از شادی است که در حوزه واجبات، مستحبات و

مباحثات اتفاق افتد. این جنبه از شادی خصوصاً از باب ادخال سرور بر مؤمنین محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند متعال است. روایات متعددی از اهل بیات وجود دارد که مقوله شادی را این چنین توصیف کرده‌اند و به مسلمانان توصیه داشته‌اند. نمونه‌ای از این روایات به شرح زیر است:

«أحب الأعمال إلى الله عزَّوجلَّ ادخال السرور على المؤمنین؛ [۳] محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند، شاد کردن مؤمنان است». رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم<sup>۱</sup>

به همین نسبت نوعی از شادی نیز در اسلام ناپسند برشمرده است که بخشی از مهم‌ترین آن‌ها شادی ناشی از تمسخر دیگران، شادی ناشی از دروغ، شادی ناشی از معصیت، شادی ناشی از گناه و امثال آن است؛ که البته گستره وسیعی ندارد. در اینجا باید به یک سؤال اساسی پاسخ دهیم و آن اینکه آیا صرف هدف‌گذاری بر روی جامعه شادتر با این اوصافی که مطرح گردید صحیح می‌باشد؟ قطعاً پاسخ منفی است. علت این امر این است که جامعه شادتر می‌تواند هر دو بعد شادی پسندیده و شادی نکوهیده را با خود به همراه داشته باشد و طبیعتاً جامعه اسلامی مخالف شادی‌های نکوهیده است زیرا با روحيات معنوی و انسانی یک فرد مسلمان در تناقض قرار می‌گیرد. لذا می‌توان گفت هرچند شادی و شادکامی معیار مؤثری برای سنجش سلامت جامعه است اما از بعد سیاست‌گذاری در جامعه اسلامی، باید این شادی را صرفاً در حوزه پسندیده آن دنبال کرد و از این رو می‌توان گفت شادی امری محسن و معیاری صحیح اما مقید در سیاست‌گذاری جامعه اسلامی قرار دارد و قید آن به پسندیده بودن آن است. از این منظر سیاست‌گذار اسلامی باید افزایش سطح شادی مردم را در چارچوب مقید آن که البته گستره مصداقی بسیار وسیعی دارد، دنبال نماید.

### ۳- روش تحقیق

#### ۳-۱- چارچوب تحلیلی

روش مورد استفاده در این تحقیق روش تحلیلی توصیفی است، با این وجود در این بخش با تبیین یک چارچوب کلی و روشمند شیوه استدلال در این حوزه را مورد بررسی قرار می‌دهیم. این بخش با ارائه یک نگاه مقایسه‌ای از انسان‌شناسی اسلامی و غربی و شناسایی نیازهای انسان از

منظر اسلام، یک معیار برای تحلیل ارائه می‌دهد. زمانی که از اقتصاد شادی سخن به میان می‌آید، هدف بررسی عواملی است که منجر به شادکامی انسان‌ها می‌شود و تا وقتی که ما شناخت درستی از انسان و عوامل مؤثر با شادکامی او در اختیار نداشته باشیم، هر تعریفی از اقتصاد شادی معنا نخواهد داشت. این موضوع مستلزم پرداخت به جنبه‌هایی از مبانی متافیزیکی است که انسان‌شناسی بخشی از آن است. در میان موضوعاتی نظیر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی و روش‌شناسی، انسان‌شناسی از جهاتی ام‌المسائل شمرده می‌شود؛ زیرا انسان محور و به یک معنا موضوع غالب مسائل انسانی یا مرتبط آدمی است. از جهتی نوع نگاه هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه محقق نقش زیادی در شکل‌گیری نگاه انسان‌شناسانه دارد، به طوری که معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی مقدم بر انسان‌شناسی تلقی شده‌اند. با همه این اوصاف این مقاله به دلیل محدودیت‌های موجود به مباحث هست‌شناسی و معرفت‌شناسی ورود نمی‌کند و صرفاً یک دوگان بین شناخت صحیح از انسان (نگاه اسلامی) و نگاه غیر صحیح به انسان (نگاه‌های غیر اسلامی) با تأکید بر ماتریالیسم به دلیل تسلط بر علوم غربی) را به‌عنوان مبنا در نظر می‌گیرد و انسان‌شناسی را از این دو بعد موردبررسی قرار می‌دهد. بررسی انسان‌شناسی در این دو حوزه منجر به ارائه معیارهای متفاوت در شادکامی خواهد شد که طبیعتاً معیار شادکامی از منظر انسان‌شناسی صحیح، معیار شادکامی از منظر انسان‌شناسی غلط را به چالش می‌کشاند و یا اینکه می‌تواند نواقص آن را برطرف نماید.

### ۳-۲- گذری بر مفهوم انسان‌شناسی

هر مکتبی را با انسان‌شناسی آن بهتر می‌توان شناخت زیرا انسان‌شناسی در هر مکتب باعث شکل‌گیری ایده آل‌ها و آرمان‌ها و طرح‌های ارائه‌شده آن مکتب می‌باشد و اگر محوریت انسان نباشد موضوعی برای شکل‌گیری مکتب وجود نخواهد داشت. انسان‌شناسی در فرهنگ غرب معادل دقیقی ندارد هرچند می‌توان از آن به‌عنوان دانش انسان<sup>۱</sup> یاد کرد. البته برخی آن را معادل آنتروپولوژی<sup>۲</sup> به کاربرند که با مفهوم مردم‌شناسی هم‌خوانی بیشتری دارد. انسان‌شناسی در مفهوم کلی عبارت است از هر منظومه‌ی معرفتی که به بررسی بعد یا ابعادی از وجود انسان یا

---

1- Human knowledge

2- anthropology

گروه و قشر خاصی از انسان‌ها می‌پردازد (واثق، ۱۳۹۰). پل بروکا، دانشمند فرانسوی نیز آنتروپولوژی را به مفهوم کلی شناخت انسان از دیدگاه طبیعی به کار برده است (خسرو پناه، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

### ۳-۳- انسان‌شناسی غربی

این بخش به دنبال آن است که جنبه‌های مختلفی از نوع نگاه به انسان در غرب را مورد بررسی قرار دهد. مسئله اصلی در این زمینه این است که به شمار مکاتب موجود در جهان، درباره انسان نظریه وجود دارد. به هر اندازه که این نگاه‌ها به انسان متفاوت باشند، علوم انسانی مترتب بر آن نیز تفاوت خواهد یافت و در نتیجه نوع نگاه به شادی انسان نیز متفاوت خواهد بود. ابعاد مختلف انسان همانند آفرینش، هدف از زندگی، طبیعت، حقیقت، جبر و اختیار و ارزش‌محوری عمده محورهایی هستند که می‌توانند تمایز میان انسان‌شناسی غربی و انسان‌شناسی اسلامی را به درستی تبیین نمایند (واثق غزنوی، ۱۳۹۰). از آنجا که در این زمینه مطالب بسیار زیادی نوشته شده است، این مقاله قصد ورود و استدلال در این زمینه را ندارد و صرفاً یک چارچوب کلی از نظریات موجود در این زمینه را ارائه می‌کند.

در طول تاریخ دیدگاه دانشمندان مغرب زمین درباره آفرینش انسان‌های نخستین، فراز و نشیب‌های بسیاری داشته است. از اینکه انسان همانند گیاهان از زمین می‌روید شروع شده و به اینکه نطفه نر و ماده تمام جانوران در فضا وجود داشته و وجود خواهد داشت که وقتی به زمین مرطوب فرو می‌آیند و با هم لقاح می‌یابند و موجودات به شکل انسان پدید می‌آیند، ادامه پیدا کرده تا اینکه نظریه ترانسفورمیسم، یعنی تبدل انواع و اینکه انسان از نسل حیوانات دیگر است و تکامل یافته و به این صورت درآمده است و در نهایت نظریه فیکسیسم که بر اساس آن، انسان به صورتی که هست آفریده شده است. با توجه به این مسائل شرایط فعلی نگرش غالب و حکم جامع غربی سکولاریسم است که به حذف یا بی‌اعتنایی و به حاشیه راندن نقش دین در ساخت‌های مختلف حیات انسانی از قبیل، سیاست، حکومت، مدیریت، علم، عقلانیت، اخلاق، اقتصاد،... گرایش دارد. در میان مکاتب غربی احکام ارزشی مطلق است که نسبت به فرد و جامعه تغییر نمی‌کند حکم اخلاقی حکمی است که عقل انسان صادر می‌کند و برای خودش و سایر انسان‌ها استثنایی قائل نمی‌شود و قید زمانی هم ندارد (کانت) در مقابل برخی مکاتب نظیر ماتریالیسم و دیالکتیک و مارکسیست تصریح می‌کند که اخلاق نسبی است و قائل به اصالت

اجتماع هستند و اخلاق را یک پدیده اجتماعی می‌دانند. در نتیجه اوضاع فعلی تفکر غالب بر غرب، تفکر اومانیستی، سکولاریستی و این دنیایی بودن است. بر اساس این تفکر هدف از زندگی انسان، لذت، ثروت، قدرت و استفاده از متاع و منابع طبیعی و مادی است. (واثق غزنوی، ۱۳۹۰). زمانی که هدف از زندگی را در لذت، ثروت، قدرت و استفاده از مواهب طبیعی و مادی بدانیم، شادمانی انسان‌ها نیز زمانی حاصل می‌شود که انسان‌ها به این اهداف دست پیدا کنند و سیاست‌گذاری جوامع نیز بر این اساس دنبال می‌شود.

درباره هدف از زندگی انسان نیز آرای متفاوتی وجود دارد. از نظر اپیکور هدف نخستین و نهایی زندگی انسان دستیابی به لذت است و حتی از نظر او سعادت نیز جز از طریق لذت‌جویی امکان‌پذیر نیست. او لذت را به معنای فقدان رنج دائم جسمی و روحی می‌داند. طرفداران مکتب رواقی هدف از زندگی انسان را در ابتدا شناخت طبیعت و زندگی بر وفق آن دانسته و سپس هدف از زندگی را دستیابی به فضایی چون: حکمت، عدالت، شجاعت، سخاوت و آزادی می‌دانند (نصری، بی‌تا: ۱۷۳). از نظر نیچه هدف از زندگی پرداختن به تن و زندگی زمینی است. او می‌گوید: انسان آن هنگام انسان است که به حیوانیت او توجه شود. از نظر او قبل از آنکه از انسان انتظار تفکر و تعقل داشته باشیم باید به جنبه حیوانیت و نیازهای غریزی او توجه کنیم و مهم‌تر آنکه عقل و نطق نیز باید در خدمت حیوانیت بشر و ارضای نیازهای حیوانی او باشد (نصری، بی‌تا: ۳۲۸).

یکی دیگر از جنبه‌های انسان‌شناسی در غرب که بسیار جذاب می‌نماید، محور قرار گرفتن انسان است؛ موضوعی که از آن به اومانیسم تعبیر شده است. بخش عمده‌ای از نگاه‌های انسان‌شناسانه در غرب بر محور اومانیسم است که به استناد واثق غزنوی (۱۳۹۰) شرحی از آن بیان می‌داریم. از قرن چهاردهم تا کنون اومانیسم در معنای عام خود، دارای مؤلفه‌هایی بوده است؛ هرچند این مؤلفه‌ها در برخی از دوره‌ها یا از نظر بعضی اندیشه‌وران شدت و ضعف داشته‌اند:

۱- **انسان‌محوری:** این اصل که در مقابل محوریت خداوند و فرمان‌های الهی قرار دارد، انسان را محور و میزان همه چیز و مرکز عالم می‌داند. از ریاضت‌های جسمانی نفرت شدید دارد و لذت‌های جسمانی و هواهای نفسانی را اصل می‌شمارد انسان را مالک مطلق هستی می‌شناسد و اشعار می‌دارد که همه چیز را باید انسان ارزش‌گذاری کند.

- ۲- **عقل گرایی:** بر اساس این اصل خرد انسان، محور قرار می‌گیرد و عقل انسانی رهبری بشر را بر عهده گرفته، دین را از فرماندهی، هدایت و رهبری خلع می‌کند.
- ۳- **اختیار:** اختیار بعد بنیادی وجود انسان به حساب می‌آید.
- ۴- **تساهل و تسامح:** بر اساس اصل مدارا و تساهل و تسامح اومانستی، تمام صاحبان عقاید به مدارا با یکدیگر و همزیستی مسالمت‌آمیز، فرا خوانده می‌شوند و بر وحدت میان تمام مذاهب اصیل و توحیدی یا خرافاتی و شرک‌آلود، تأکید می‌شود.
- ۵- **دموکراسی:** بر دموکراسی به مثابه بهترین تضمین‌کننده حقوق انسان‌ها در برابر اقتدار فرمانروایان و حاکمان سلطه‌جوی تأکید می‌شود.
- ۶- **جدایی دین از سیاست:** یعنی التزام به اصل جدایی نهادهایی دینی از دولت
- ۷- **گفتمان:** یعنی پرورش هنر مذاکره و گفت‌وگو، به‌عنوان ابزار حل تفاوت و تقابل فهم‌های مختلف؛
- ۸- **نگرش ماتریالیستی:** طبق این اصل، متافیزیک و ماوراء طبیعت نفی می‌شود و تبیین جهان بر پایه واقعیات ماورای طبیعی و توجه به یک جهان غیر دنیایی برای حل معضلات بشری، تلاشی است برای تضعیف و بی‌ارزش کردن عقل انسان. منظور از طبیعت‌گرایی این است که انسان بخشی از طبیعت و طبیعت قلمرو انسان است. ترکیبی که او را به طبیعت گره می‌زند عبارت است از: جسم، حواس و نیازهایی که انسان نمی‌تواند خود را از آن امور طبیعی جدا یا از آن‌ها غفلت کند. البته اومانسیم روح انسان را به دلیل قوه اختیارش ستایش می‌کند؛ اما توجه فراوان به ارزش لذت جسمانی و لذت‌گرایی و تنفر از پرهیزگرایی و ریاضت‌های مطرح در ارزش‌های مسیحی قرون وسطی، طبیعت‌گرایی آنان را نشان می‌دهد. بر این اساس، لذت، فایده انحصاری و پایان انحصاری فعالیت‌های انسان است.
- ۹- **ارزش‌گذاری:** اعتقاد به این که تمام ایدئولوژی‌ها و سنت‌ها اعم از دینی، سیاسی یا اجتماعی را، باید انسان ارزش‌گذاری کند؛ نه اینکه صرفاً بر اساس ایمان پذیرفته شوند.
- ۱۰- **شناخت‌شناسی:** جست‌وجوی ملموس و عینی، با درک و اعتراف به اینکه شناخت و تجربه جدید، پیوسته ادراک‌های ناقص ما را از حقیقت عینی تغییر می‌دهد؛ لذا برخی از دانشمندان غربی آشکارا اعتراف می‌کنند که «انسان روزگار ما وحی و شناخت‌های



الهامی و اشراقی را کنار گذاشته و شناخت تجربی را تنها وسیله شناخت حقیقت می‌داند.»

۱۱- **اومانیسیم جانشین خدا:** اعتقاد به اینکه اومانیسیم، جانشین و بدیل واقع‌بینانه و معقول برای الهیات ناامیدکننده و ایدئولوژی‌های زیان‌آور است؛ زیرا با اعتقاد به اومانیسیم، خوش‌بینی، امید، حقیقت‌طلبی، تساهل و بردباری، عشق، ترحم و دلسوزی و زیبایی حاکم می‌شود و عقل‌گرایی به جای بدبینی، یأس، جزمیت، گناه، خشم و نفرت، تعصبات، ایمان کورکورانه و غیر عقلایی می‌نشیند. با توجه به این عناصر است که برخی از پژوهشگران معتقدند: «مهم‌ترین ویژگی تفکر معاصر غربی که تفکر انسان کنونی نیز زاینده آن است، اومانیسیم می‌باشد.»

### ۳-۴- گذری بر انسان‌شناسی در اسلام

این بخش یک چارچوب کلی از نوع نگاه اسلامی به انسان را خصوصاً از منظر متفکران مسلمان مورد بررسی قرار می‌دهد. قرآن به‌عنوان کامل‌ترین کتاب آسمانی تمامی قوانین حاکم بر نظام هستی و واقعیت‌های مربوط به انسان و جهان را بیان نموده و انسان را اشرف مخلوقات قرار داده در واقع قرآن می‌خواهد شالوده‌ی جامعه‌ای نوین با الهام از وحی الهی و قوانین مترقی و حیات‌بخش تحت رهبری‌های پیشوایان معصوم (علیه‌السلام) پی‌ریزی کند و انسان تنها عنصر تشکیل‌دهنده آن می‌باشد. به چند مورد از ویژگی‌های انسان که خداوند در قرآن کریم ذکر فرموده‌اند اشاره می‌شود:

- ۱) انسان خلیفه خدا در زمین و موجودی برگزیده است.<sup>۱</sup>
- ۲) انسان دارای علم و آگاهی می‌باشد.<sup>۲</sup>
- ۳) انسان فطرتی خداجوی و عنصری ملکوتی دارد.<sup>۳</sup>
- ۴) نه بر دیگران که بر خود نیز آگاهی دارد.<sup>۴</sup>

۱- بقره/۳۰. انعام/۱۶۵

۲- بقره/۳۱/۳۰

۳- روم/۳۰. اعراف/۱۷۲. روم/۴۳. سجده/۹/۷

۴- قیامت/۱۴/۱۵

- ۵) خوب و بد را می‌شناسد.<sup>۱</sup>
- ۶) وجدان اخلاقی دارد.<sup>۲</sup>
- ۷) آزادی و کرامت دارد.<sup>۳</sup>
- ۸) نعمت‌های زمین برای انسان آفریده شده است.<sup>۴</sup>
- ۹) اطاعت از خداوند.<sup>۵</sup>
- ۱۰) انسان در پی دستیابی به اهداف مادی و معنوی است.<sup>۶</sup>

بنابراین می‌توان در تعریفی جامع از نظر قرآن و اسلام گفت: انسان موجودی است برگزیده از طرف خدا، خلیفه و جانشین خدا در زمین دارای بعد نیمه ملکوتی نیمه مادی و فطرتی خدا آشنا او امانت‌دار خدا و مسئول خویش و جهان می‌باشد در واقع او از ضعف و ناتوانی شروع شده و هدفش به سوی قوت و کمال هست، به او حق مشروع استفاده از نعمت‌های پروردگار داده شده است و در برابر پروردگار یکتا مسئولیت‌هایی نیز دارد. انسان‌ها در تمام آحاد و زمان‌ها از هویت واحد انسانی برخوردار می‌باشند و فرقی نمی‌کند دارای رنگ پوست و زبان و فرهنگ و آداب و رسوم مختلف باشند در واقع انسان موجودی خداشناس می‌باشد که از پستی‌ها و زشتی‌ها دوری می‌جوید و به سمت حقیقت و زیبایی‌ها و پاکی سیر می‌کند در واقع او انسانی عابد و گوشه‌نشین نیست بلکه عارفی عابد و مجاهدی اصلاح‌گر اجتماعی می‌باشد که بانگیزه الهی برای خدا قیام می‌کند و احکام رسیدن به خوشبختی را برای تک‌تک افراد جهان خواهان می‌باشد (داوودی، ۱۳۹۷).

در این خصوص مطالعات وسیعی از انسان‌شناسی در میان متفکران مسلمان وجود دارد که هر یک دارای امتیازات خاصی هستند. با این وجود این بخش سعی دارد با تکیه بر آرای متفکران برجسته شیعه یک گستره مفهومی ساده از انسان بیان نمایند. شاه‌کلید این حوزه از بحث درباره

۱- شمس ۸/۷

۲- قیامت ۲/۱

۳- اسراء/ ۷۰

۴- جائیه ۱۳

۵- ذاریات/ ۵۶، حشر/ ۱۸

۶- فجر/ ۲۸، توبه/ ۷۲

انسان فطرت است که در کلام امام خمینی، علامه طباطبایی و شهید مطهری جایگاه ویژه‌ای دارد (آروانه و داوودی، ۱۳۹۰). در واقع این بعد از انسان‌شناسی اسلامی به ابعاد، ویژگی‌ها، حقایق و ارزش‌های گوناگون انسانی با مراجعه به متون و منابع دینی مانند قرآن و اهل سنت می‌پردازد بیان می‌دارد در نگرش اسلام فطرت هويت وسیع و همه‌جانبه‌ای از انسان به دست می‌دهد (دهکردی و فروغی نیا ۱۳۹۲). از این منظر انسان نه ساخته و پرداخته به دنیا می‌آید و نه خالی و فاقد هر بعدی از ابعاد انسانی که تمام ابعاد انسانی را جامعه به او بدهد؛ بلکه انسان وقتی که به دنیا می‌آید بذر یک‌سری از امور انسانی در وجودش کاشته شده، در جامعه این‌ها باید رشد کند؛ مثل زمینی که بذر را در آن پاشیده‌اند و الآن در درون این زمین وجود دارد، فقط احتیاج دارد به اینکه به این زمین آب و نور و حرارت برسد و شرایط مساعد موجود باشد تا این بذر از درون رشد کند. از این منظر فطرت در انسان به معنای یک امر بالفعل نیست؛ به معنی یک امر بالقوه است که بذرش در انسان نهاده شده و قابل پرورش یافتن است (مطهری، ۱۳۵۷). با توجه به تصریح دقیق و منطبق با نیاز این مقاله، نظرات شهید مطهری در این بخش مورد تأکید قرار می‌گیرد.

شهید مطهری در توضیح دیدگاه خود، نخست گرایش‌ها و امیال غریزی را به گرایش‌های جسمی و روحی تقسیم می‌کند و توضیح می‌دهند: «مقصود از خواست جسمی، تقاضایی است که صد درصد وابسته به جسم باشد؛ مثل غریزه گرسنگی. این یک امر بسیار مادی و جسمانی ولی غریزی است؛ یعنی مربوط به ساختمان بدنی انسان و هر حیوانی است.» همچنین دسته‌ای دیگر از گرایش‌ها و امیال در انسان هستند که مربوط به روح انسان‌اند و حتی روان‌شناسی هم این امور را امور روحی و لذات ناشی از آن‌ها را نیز لذات روحی می‌داند. از جمله این امور میل به داشتن فرزند، حقیقت‌خواهی، خلاقیت، عشق و پرستش است. بر این اساس، همه گرایش‌های انسان به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. گرایش‌هایی که در آن‌ها انسان با حیوان مشترک است و پایه جسمی و زیستی و فیزیولوژیک دارند (غرایز)؛ و گرایش‌هایی که ویژه انسان‌اند و منشأ روحی و معنوی دارند (فطریات). به زبان منطقی غرایز جسمی، که مشترک بین انسان و حیوان‌اند، جنس انسان و گرایش‌های فطری، که تنها ویژه انسان‌اند، فصل انسان به شمار می‌آیند (آروانه و داوودی، ۱۳۹۰).<sup>۱</sup> استاد مطهری در آثار خود اموری را به منزله گرایش‌ها و احساسات

۱- آروانه، بهزاد، داودی، محمد، (۱۳۹۰)، تحلیل و بررسی فطرت در آثار استاد شهید مطهری، مجله معرفت کلامی، سال دوم،

فطری بیان می‌کنند که از میان آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: حس حقیقت‌جویی، حس اخلاقی، حس پرستش، خلایقیت، گرایش به دین و گرایش به کمال مطلق. ایشان دیدگاه مقبول در زمینه تکثر و تعدد گرایش‌های فطری را دیدگاه عرفا می‌دانند و دیگر دیدگاه‌هایی را که امور فطری را از هم مجزا می‌دانند، رد می‌کنند: از نظر عرفا- و حق همان است- انسان یک فطرت اصلی بیشتر ندارد و همه آن فطرت‌های دیگر از اینجا منشعب می‌شود. از این نظر ایشان می‌فرمایند: انسان، با لذات، آنچه در عمق ذاتش در جست‌وجوی آن است، رسیدن به کمال مطلق است و به هر درجه‌ای از کمال که برسد، آرام نمی‌گیرد؛ و قهراً فطرت فرار از نقص هم لازمه این است وقتی که جاذبه کمال مطلق همیشه انسان را به سوی خودش بکشاند، قهراً نقطه مقابلش فرار از نقص است. مثل عقربه مغناطیس است؛ وقتی که یک سر آن به یک طرف کشیده می‌شود، قهراً سر دیگر هم به نقطه مقابل کشیده می‌شود (مطهری، فلسفه تاریخ، ج ۴: ۲۵۹)

از نظر قرآن کریم هدف نهایی آفرینش انسان سعادت، پیشرفت، هدایت، معنویت، پرورش، تقوا، تکامل و رستگاری و در یک جمله قرب به خداوند است که از طریق تزکیه، جهاد، خشوع در نماز، اعراض از لغو، پرداخت زکات، امانت‌داری، وفای به عهد و پایداری در نماز به دست می‌آید. به بیان دیگر هدف نهایی انسان رستگاری است که از طریق قرب خدا حاصل می‌شود و هدفی بالاتر از آن وجود ندارد. (مصباح، ۱۳۸۰: ۳۳) جهان‌بینی توحیدی یعنی درک اینکه جهان از یک مشیت حکیمانه پدید آمده است و نظام هستی بر اساس خیر وجود و رحمت رسانیدن موجودات به کمالات شایسته آن‌ها استوار است. (مطهری، ۱۳۸۴: ۸۵).

### ۳-۵- نیازشناسی مبتنی بر انسان‌شناسی اسلامی

زمانی که متفکران غربی نتوانند نیازهای انسان را به درستی شناسایی کنند و آن را محدود به حوزه جسم و روان فرد تلقی نمایند؛ طبیعتاً برای پاسخگویی به ساحتی از نیازهای انسان برنامه خاصی ندارند و عملاً نمی‌توانند شادمانی کاملی را برای فرد پیشنهاد دهند؛ لذا بعد معنوی و روحانی فرد نادیده انگاشته شده است. از آنجاکه بعد مادی، روانی و روحانی فرد ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، پاسخ ندادن به نیازهای روحانی و معنوی فرد اثرات خود را بر

نیازهای جسمانی و روانی فرد نیز می‌گذارد. به‌عنوان مثال ترس از آینده و مرگ عزیزان از جمله مواردی است که برای انسان غربی درمانی وجود ندارد و همین موضوع نگرانی دائمی را برای فرد ایجاد می‌کند و روان او از این موضوع ناراحت است و حتی در رفتار مادی او نیز تأثیر می‌گذارد. با توجه به آنچه در انسان‌شناسی غربی و اسلامی مطرح گردید، مجموعه‌ای از نیازهای انسان وجود دارد که باید بدان پاسخ داده شود تا انسان احساس شادمانی داشته باشد. با توجه به تبیین صورت گرفته در بخش پیشین، این نیازها از منظر اسلامی به شرح زیر است:

انسان موجودی است که در اصل وجود و بقای خود نیازمند می‌باشد و در واقع خداوند انسان را نیازمند آفریده است که او در جهت رسیدن و بر طرف کردن نیازهای خود به تلاش و تکاپو ادامه دهد؛ بنابراین انسان برای پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های خویش و در جهت برطرف نمودن آن‌ها ناچار به انجام فعالیت‌هایی هست که این عمل انسان در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی نمود پیدا می‌کند. فعالیت‌های اقتصادی انسان هنگامی که او درصدد رفع احتیاجات و خواسته‌های اقتصادی‌اش می‌باشد شکل می‌گیرد نوع نیازهای انسان در نگرش اسلامی با توجه به ابعاد وجودی انسان ترسیم می‌شود و از آنجا که انسان دارای سه بعد مادی و روحی و روانی و معنوی تقسیم می‌شود و در این قسمت به بررسی این سه نیاز انسان می‌پردازیم تا بدین‌وسیله بتوان به مبانی انسان‌شناسی اسلامی و اخلاق اقتصادی پرداخت. یکی از جامع‌ترین تقسیم‌بندی از نیازهای انسان توسط سلطانی (۱۳۹۲) مطرح گردیده است که در این مقاله به دلیل رویکرد قرآنی و اسلامی، به آن استناد می‌شود. این نیازها برای انسان در دو حوزه سلبی و ایجابی تقسیم بندی شده‌اند که می‌توان بر اساس آن‌ها به شاخص سازی در حوزه اقتصاد شادمانی مبادرت ورزید:

### جدول (۲) - نیازهای اساسی انسان از منظر اسلامی

نیازهای اساسی انسان از منظر اسلامی		
نیازهای حفظ ذات، نیازهای حفظ نوع، نیاز به خوردن و آشامیدن و تغذیه مناسب، نیاز به تملک مسکن و دارایی، حفظ سلامت و رعایت بهداشت، انتخاب شغل و کسب حلال، اوقات فراغت	جنبه ایجابی	نیازهای وجود و زیستی
تعلق خاطر به دنیای مذموم، فقر، عدم کنترل غریزه جنسی، حرام خواری، ثروت اندوزی، به بطالت گذراندن عمر، عدم مراعات بهداشت، جسمی و روحی، عدم مراعات بهداشت،	جنبه سلبی	

نیازهای اساسی انسان از منظر اسلامی		
جسمی و روحی		
ایمان به خدا، پناه بردن به خدا از شر شیطان، نماز، عدم هراس از غیر خدا، انگیزه امنیتی و دفاعی، ادای امانت، زکات و صدقات، برادری مسلمانان با هم توکل، حمایت از مظلومان، جهاد، ایمنی جویی از عذاب الهی	جنبه ایجابی	نیازهای ایمنی
نمایی و فتنه‌انگیزی، ظلم و تجاوز، ریا و نفاق، کم فروشی و احتکار، ربا، غیبت، غرور و تکبر، غفلت از یاد خدا	جنبه سلبی	
تواضع، رفق و عفو، وفای به عهد، راست‌گویی و صداقت، حسن خلق و حسن معاشرت، احسان و انفاق، صلح رحم، تولی و تبری، عشق و پرستش،	جنبه ایجابی	نیازهای محبت و تعلق
تکبر، بخل، سوء ظن، حسد، ریا، نفاق، غیبت،	جنبه سلبی	
تواضع و وفار، مشورت با دیگران، پرهیز از گناه، صبر و استقامت، عقل و خرد، علم، عفت، کرامت، تقوا، نیکوکاری، عدل و انصاف،	جنبه ایجابی	نیاز به کرامت و احترام
تکبر و خود ستایی، گناه و بندگی نفس، ناشکیبایی، جهل و نادانی، فساد و بی‌عفتی، تمسخر و اهانت به دیگران	جنبه سلبی	
جهاد و شجاعت، بینش و بصیرت، توکل، ایمان به هدف، اخلاص، تزکیه و رضا به قضای الهی، آرامش، عزت نفس و بلند همتی، عبادت و معنویت	جنبه ایجابی	نیاز به کمال و خود شکوفایی
تکبر و استبداد رأی، بندگی نفس، غفلت و ساده اندیشی، بخل و حسد، کسالت و سستی، ترجیح دنیا به آخرت	جنبه سلبی	

مأخذ: سلطانی (۱۳۹۲)<sup>۱</sup>

۱- تحقیق حاضر مستلزم یک بررسی انسان‌شناسانه و ارائه یک مجموعه از نیازهای انسان از منظر اسلام است که محدودیت‌های تحقیق از یک سو و قوت تحقیق سلطانی، ۱۳۹۲ سبب شده است که نتایج آن به عنوان پیش فرض در نظر گرفته شود.

## ۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها: نقد مبانی اقتصاد شادمانی در غرب و ارائه رویکرد بدیل در اقتصاد اسلامی

### ۴-۱- نقد مبانی اقتصاد شادی در غرب

بخش‌های پیشین داده‌های لازم برای تجزیه و تحلیل موضوع مورد بحث را فراهم آورده است. نگاهی مجدد به جدول شماره ۱ حاکی از آن است که شاخص‌های تعریف شده در حوزه شادمانی عمدتاً به ابعاد مادی و گاه‌به‌گاه به ابعاد روانی افراد جامعه تکیه داشته‌اند و ابعاد معنوی افراد موضوع مورد بررسی آن‌ها نبوده است که عمدتاً این موضوع به دلیل انسان‌شناسی حاکم بر جریان اقتصادی ارتدکس است. شاخص‌هایی مانند درآمد، امید به زندگی، محیط زیست، سلامتی جسم و روان، تنوع فرهنگ، حکمرانی خوب، تاب‌آوری، مسکن، عواطف مثبت و منفی، سرانه ناخالص داخلی، آزادی انتخاب، سخاوت، فساد در جامعه و آسایش خاطر حداکثر به بعد مادی و روانی افراد تکیه دارد و طبیعی است که بخشی از عوامل روحی و معنوی مربوط به انسان که در شادی او نقش بسزایی دارند، مورد توجه قرار نگرفته است. در یک رویکرد مقایسه‌ای و با توجه به آنچه پیش از این مطرح گردید، جدول زیر تفاوت‌های میان شادمانی در رویکرد اسلامی و غربی را به خوبی نشان می‌دهد:

### جدول (۳) - تفاوت شادی و مؤلفه‌های آن از منظر اسلام و غرب

شادی غربی	شادی اسلامی
شادی دوبعدی (جسم و روان)	شادی سه‌بعدی (جسم، روان و روح)
فاقد مرزبندی با هرزگی و بیهودگی و غفلت (شامل شادی پسندیده و نکوهیده)	دارای مرزبندی با هر عامل فریب‌دهنده برای بشر (فقط شادی پسندیده)
برای یک برش از زندگی انسان	برای همه دوران و مقاطع سنی انسان
خودمحور و خودخواهانه	فراگیر که نه انسان‌ها که حتی مخلوقات را شاد می‌کند
سطحی و تحت تأثیر عوامل بیرونی و محیطی	عمیق و تأثیرگذار بر محیط بیرونی متکی به عوامل درونی
اسیر زمان و مکان	فرا مکانی و فرا زمانی
محدود به عالم ماده و زندگی دنیوی	شامل زندگی دنیوی و اخروی

شادی غربی	شادی اسلامی
محدود بودن پاسخ به گرایش‌های فطری	گره زدن گرایش‌های فطری به کمال مطلق
گرایش به کمالات موقت و پایان پذیر	گرایش به کمال مطلق و حرکت بی‌پایان

(مأخذ: دستاورد تحقیق)

مشخص گردید که تفاوت اصلی اسلام و غرب در انسان‌شناسی پرداختن غرب به ابعاد روحانی و معنوی انسان و دیر پرداختن به ابعاد روانی و فکری انسان است. همین تفاوت در انسان‌شناسی سبب گردیده است که نوع نگاه به شادمانی افراد نیز متفاوت باشد. زمانی که متفکران غربی نتوانند نیازهای انسان را به درستی شناسایی کنند و آن را محدود به حوزه جسم و روان فرد تلقی نمایند؛ طبیعتاً برای پاسخگویی به ساحتی از نیازهای انسان برنامه خاصی ندارند و عملاً نمی‌توانند شادمانی کاملی را برای فرد پیشنهاد دهند؛ لذا بعد معنوی و روحانی فرد نادیده انگاشته شده است. از آنجاکه بعد مادی، روانی و روحانی فرد ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، پاسخ ندادن به نیازهای روحانی و معنوی فرد اثرات خود را بر نیازهای جسمانی و روانی فرد نیز می‌گذارد. به‌عنوان مثال ترس از آینده و مرگ عزیزان از جمله مواردی است که برای انسان غربی درمانی وجود ندارد و همین موضوع نگرانی دائمی را برای فرد ایجاد می‌کند و روان او از این موضوع ناراحت است و حتی در رفتار مادی او نیز تأثیر می‌گذارد.

چنانچه به نیازها و گرایش‌های فطری انسان رجوع کنیم، انسان را واجد حس حقیقت‌جویی، حس اخلاقی، حس پرستش، خلاقیت، گرایش به دین و گرایش به کمال مطلق خواهیم یافت. با پذیرش چنین نگاهی به انسان آیا نگاه‌های ماتریالیستی به انسان و اصالت دادن به زندگی‌های مادی و دنیوی و آنچه در غرب تحت عنوان شاد مطرح است، می‌توانند سطح کامل و جامعی از شادکامی را برای انسان‌ها فراهم آوردند. از آنجاکه کمال هستی‌بخش و مطلق ذات وجود باری تعالی است، آیا کسانی که غیر از وجود حق را طلب می‌کنند، به لذت و شادکامی کاملی دست خواهند یافت. خلاصه کلام این است که مفهوم شادی در اقتصاد غرب صرفاً به جنبه‌های مادی حیات بشری اختصاص دارد و در برخی از موارد جنبه‌های روانی و فکری آن را نیز شامل می‌شود، اما این موضوع هیچ‌گاه نمی‌تواند پاسخ به نیازهای روحی و فطری انسان از جمله رسیدن به کمال مطلق، حس پرستش، حقیقت‌جویی و امثالهم بدهد. شاهکار اسلام پیوند و تعامل بین این



سه حوزه است؛ یعنی هم می‌تواند شادی را در ابعاد مادی آن و هم در ابعاد فکری و روانی آن و هم در ابعاد روحانی و معنوی آن برای بشر به همراه آورد.

#### ۴-۲- ارائه رویکرد بدیل در سنجش شادی از منظر اسلام

آنچه در سنجش شادی از منظر اسلامی قابل‌بیان است، این است که احساس شادی در انسان زمانی رخ می‌دهد که به هر سه نیاز مادی، روانی و روحانی انسان پاسخ داده شود. بر این اساس یک شاخص جامع و کامل در سنجش شادمانی جامعه می‌بایست به هر یک از این ۳ حوزه توجه داشته باشد. در این قسمت لازم است ابتدا نیازهای انسان مورد تحلیل قرار گیرد و به شرح آن‌ها پرداخت تا بتوان بر اساس آن‌ها رویکردی بدیل در حوزه اقتصاد شادی از منظر اسلام ارائه داد. ضمن اینکه از دستاوردهای تجربی نیز می‌توان به‌عنوان عاملی مهم در اثبات مؤلفه‌های مورد نظر استفاده کرد.

همان‌طوری که در بخش‌های قبلی مطرح گردید، نیازهای انسان در یک تقسیم‌بندی از منظر قرآن کریم به ۵ حوزه اساسی تقسیم می‌شود: نیازهای وجود و زیستی، نیازهای ایمنی، نیازهای محبت و تعلق، نیاز به کرامت و احترام و نیاز به کمال و خود شکوفایی. در ادامه به بررسی شاخص‌هایی برای هر یک از این طبقات خواهیم پرداخت:

#### ۱) نیازهای وجودی و زیستی

همان‌طوری که در بخش‌های پیشین مطرح گردید، نیازهای وجودی و زیستی از دو جنبه سلبی و ایجابی قابل طرح هستند. نیازهای حفظ ذات، نیازهای حفظ نوع، نیاز به خوردن و آشامیدن و تغذیه مناسب، نیاز به تملک مسکن و دارایی، حفظ سلامت و رعایت بهداشت، انتخاب شغل و کسب حلال، اوقات فراغت جنبه‌های ایجابی و تعلق خاطر به دنیای مدموم، فقر، عدم کنترل غریزه جنسی، حرام خواری، ثروت اندوزی، به بطالت گذراندن عمر، عدم مراعات بهداشت، جسمی و روحی، عدم مراعات بهداشت، جسمی و روحی جنبه‌های سلبی این نیازها شناسایی شده‌اند. شاخص‌هایی که می‌توانند سطح نیازهای وجودی و زیستی جامعه را به سنجند به شرح زیر هستند:

۱- **تولید ناخالص ملی سرانه:** هرچقدر میزان درآمد سرانه افراد جامعه بیشتر باشد می‌توان انتظار داشت که نیازهای وجودی و زیستی افراد جامعه بهتر تأمین می‌شود.

تحقیقات تجربی نیز رابطه بین تولید ناخالص ملی سرانه و شادکامی افراد جامعه را تأیید کرده‌اند.

۲- **شاخص‌های نابرابری:** صرف افزایش درآمد سرانه بدون در نظر گرفتن بازتوزیع نمی‌تواند شاخص مناسبی برای سنجش شادکامی جامعه باشد. بلکه در کنار درآمد سرانه باید به شیوه توزیع آن نیز توجه کافی داشت که در این صورت می‌توان از شاخص‌های نابرابری نیز برای سنجش شادکامی افراد جامعه استفاده کرد.

۳- **شاخص‌های مربوط به فقر:** برخی از شاخص‌ها مانند شاخص خط فقر نسبی و خط فقر مطلق نیز در سنجش شادکامی افراد تأثیر بسیار مثبتی دارند. به این معنا که هر چقدر فقر مطلق و به طور کلی فقر نسبی در جامعه کمتر می‌شود، شادکامی افراد جامعه نیز بیشتر می‌شود. این موضوع نیز از طریق تحقیقات تجربی به اثبات رسیده است.

۴- **سایر شاخص‌های فرعی:** در برخی از موارد خاص می‌توان شاخص‌های دیگری را برای سنجش شادکامی مورد بررسی قرار داد: سهولت دستیابی به مسکن، سطح سلامت جامعه، سطح اشتغال افراد جامعه، سطح تفریحات و اوقات فراغت جامعه نیز رابطه‌ای مثبت با سطح شادکامی افراد دارد.

## ۲) نیازهای مربوط به ایمنی:

بخشی دیگر از نیازهای انسان که برآورده شدن آن‌ها نقش مستقیمی در میزان شادکامی افراد دارد، به نیازهای ایمنی جویی افراد اشاره دارد. این نیازها را می‌توان از دو جنبه سلبی و ایجابی مجدداً مورد بررسی قرار داد: ایمان به خدا، پناه بردن به خدا از شر شیطان، نماز، عدم هراس از غیر خدا، انگیزه امنیتی و دفاعی، ادای امانت، زکات و صدقات، برادری مسلمانان با هم، توکل، حمایت از مظلومان، جهاد، ایمنی جویی از عذاب الهی، از جنبه ایجابی و نامی و فتنه‌انگیزی، ظلم و تجاوز، ریا و نفاق، کم فروشی و احتکار، ربا، غیبت، غرور و تکبر، غفلت از یاد خدا جز جنبه‌های سلبی این نیازها است. شاخص‌های مستخرج از این مقوله را می‌توان به شرح زیر مورد بررسی قرار داد:

۱- **سطح مخارج دولت در حوزه دفاع و امنیت:** می‌توان انتظار داشت هر چقدر دولت‌ها مخارج بیشتری را به موضوع امنیت اجتماعی و دفاع اختصاص می‌دهند، سطح امنیت بیشتری را انتظار داشت که این موضوع می‌تواند منجر به شادکامی بالاتری در جامعه شود.

۲- **میزان تخلفات و بزهکاری اجتماعی** (با شاخص‌هایی مانند سرقت، تخلفات راهنمایی و رانندگی، خودکشی و ...): هر چه میزان هر یک از این تخلفات در یک جامعه کمتر باشد می‌توان انتظار داشت که احساس امنیت در مردم کمتر و در نتیجه شادکامی مردم نیز کمتر خواهد بود.

۳- **میزان پرداخت صدقه و زکات:** از آنجا که صدقه و زکات جنبه‌ای از نظام تکافل و نظام تأمین اجتماعی جامعه اسلامی محسوب می‌شوند، هر چقدر میزان صدقه و زکات در جامعه بالاتر رود، می‌توان انتظار داشت که امنیت اقتصادی بالاتری برای بخشی از افراد جامعه فراهم می‌شود که خود نشان از سطح بالاتری از شادکامی در جامعه است.

۴- **اقامه نماز:** با توجه به احساس نیاز انسان‌ها به ایمنی جویی نزد خدا و پناه بردن به خدا از شر شیطان می‌توان نماز را به‌عنوان یکی از شاخص‌های تأمین کننده ایمنی در میان افراد تلقی کرد. هر چقدر میزان اقامه نماز در جامعه‌ای بیشتر باشد، می‌توان انتظار داشت سطح شادکامی افراد نیز بیشتر باشد!

### ۳) نیازهای محبت و تعلق

سومین حوزه از نیازهای انسان به حوزه محبت و تعلق خاطر اختصاص دارد که تأمین این نیاز انسان نیز منجر به شادکامی بیشتر او خواهد شد. مؤلفه‌های این نیازها طبق بررسی‌های صورت گرفته از آیات قرآن کریم عبارت‌اند از: تواضع، رفق و عفو، وفای به عهد، راست‌گویی و صداقت، حسن خلق و حسن معاشرت، احسان و انفاق، صلح رحم، تولی و تبری، عشق و پرستش و از جنبه سلبی تکبر، بخل، سوء ظن، حسد، ریا، نفاق، غیبت.

در چنین شرایطی و با توجه به مؤلفه‌های پیش‌گفته می‌توان شاخص‌های زیر را برای سنجش شادکامی از طریق محبت و تعلق را شناسایی کرد:

۱- **نسبت ازدواج‌های موفق به ازدواج‌های ناموفق:** ازدواج‌های موفق نقش مهم و قابل توجهی در شادکامی افراد و به همین نسبت ازدواج‌های ناموفق تأثیر منفی بر شادکامی افراد دارد. نسبت ازدواج‌های موفق به ازدواج‌های ناموفق سطح ارضای نیاز به عشق و محبت فرد را تعیین می‌کند و نقش مستقیم در سطح شادکامی افراد در جامعه دارد.

۲- **میزان صداقت و حسن معاشرت:** هر چقدر میزان صداقت و حسن معاشرت افراد جامعه بیشتر باشد، می‌توان انتظار شادکامی بالاتری را برای افراد جامعه انتظار داشت. کمی‌سازی چنین شاخصی می‌تواند از طریق شاخص‌های مربوط به سرمایه اجتماعی مورد ارزیابی قرار گیرد.

#### ۴) نیاز به کرامت و احترام

چهارمین سطح از نیازهای انسان مربوط به کرامت و احترام است. برای این نیازهای انسان نیز منطبق با جدول شماره ۲ مؤلفه‌هایی همچون تواضع و وقار، مشورت با دیگران، پرهیز از گناه، صبر و استقامت، عقل و خرد، علم، عفت، کرامت، تقوا، نیکوکاری، عدل و انصاف از جنبه ایجابی و تکبر و خود ستایی، گناه و بندگی نفس، ناشکیبایی، جهل و نادانی، فساد و بی‌عفتی، تمسخر و اهانت به دیگران از جنبه سلبی قابل بحث است. شاخص‌های متناسب با این نیازها عبارت‌اند از:

۱- **عقل، خرد و سطح علمی جامعه:** با توجه به مؤلفه‌هایی که قبلاً مطرح گردید می‌توان انتظار داشت که هر چقدر میزان عقل، خرد و سطح علمی جامعه‌ای بالاتر رود، می‌توان انتظار داشت نیاز به کرامت و احترام آن جامعه نیز بیشتر پاسخ داده می‌شود و از جهت می‌توان انتظار داشت که سطح شادکامی افراد جامعه بالاتر خواهد رفت.

۲- **عفت و پاک‌دامنی:** می‌توان انتظار داشت جوامعی که مردم عفت بالاتری دارند و احساس کرامت و احترام بیشتری دارند و از این رو سطح شادکامی بالاتری در آن جامعه فراهم است.

۳- **درک مردم از فساد:** به‌مانند قبل می‌توان انتظار داشت که در جوامعی که درک فساد در آن جوامع کمتر است، احساس کرامت و احترام مردم بیشتر است و در نتیجه سطح شادکامی افراد مردم بالاتر است. در شاخص‌های بین‌المللی نیز شاخصی به‌عنوان درک فساد برای سنجش آگاهی افراد بشر مورد نظر قرار گرفته است که سنجش آن می‌تواند از شاخص‌های میزان فساد در جوامع پیروی کند.

### ۵) نیاز به کمال و خودشکوفایی

آخرین بخش از نیازهای انسان از منظر اسلام مربوط به نیازهای کمال و خودشکوفایی افراد است. مؤلفه‌های این نیاز از منظر قرآن کریم و با توجه به آنچه در جدول ۲ مطرح گردید عبارت‌اند از نیاز به جهاد و شجاعت، بینش و بصیرت، توکل، ایمان به هدف، اخلاص، تزکیه و رضا به قضای الهی، آرامش، عزت نفس و بلند همتی، عبادت و معنویت از جهت ایجابی و تکبر و استبداد رأی، بندگی نفس، غفلت و ساده اندیشی، بخل و حسد، کسالت و سستی، ترجیح دنیا به آخرت از جهت سلبی است. برای این مقوله نیز شاخص‌هایی قابل تعریف است:

۱- **میزان اهمیت مردم به مناسک اسلامی:** از آنجا که نیاز به کمال در همه انسان‌ها وجود دارد و پاسخ دادن به آن منجر به شادکامی افراد می‌شود، می‌توان انتظار داشت هر چقدر پابندی مردم به مناسک اسلامی بیشتر باشد، میزان شادکامی افراد نیز بیشتر می‌شود. همان‌طوری که قبلاً نیز اشاره شد، این موضوع در تحقیقات تجربی نیز قبلاً به اثبات رسیده است. برای کمی کردن چنین شاخصی می‌توان از شاخص‌هایی مانند میزان مشارکت مردم اعتکاف، نماز جمعه و جماعات، میزان پابندی به روزه ماه مبارک رمضان، شرکت در مراسمات عزاداری اهل بیت، مراسم احیا و امثال آن استفاده کرد.

۲- **بینش و بصیرت:** سطح بالای بینش و بصیرت در افراد جامعه یکی دیگر از مؤلفه‌های کمال و خودشکوفایی است که در این میان بینش صحیح و بصیرت کافی زمینه‌ساز

انتخاب صحیح خواهد بود. پاسخ دادن به چنین نیازی می‌تواند از مصادیق علل شادکامی افراد جامعه تلقی شود. کمی کردن این مؤلفه نیز از طریق شاخص‌هایی مانند مشارکت در انتخابات و میزان مشارکت در راهپیمایی‌ها قابل محاسبه و سنجش است.

### جمع بندی و نتیجه گیری

نوشتار حاضر به دنبال آن بود که نشان دهد تحقیقات مربوط به اقتصاد شادمانی که حوزه‌ای جدید از مطالعات اقتصادی است، به دلیل تسلط نگاه انسان‌شناسانه ماتریالیستی به نتایج کاملی در تبیین علل شادمانی جوامع نخواهد رسید و در بهترین حالت می‌تواند تنها بخشی از علل شادمانی افراد را تبیین کند. دستاوردهای این تحقیق نشان داد که محققان حوزه اقتصاد شادی، صرفاً به عوامل مادی و در بهترین شرایط به عوامل روانی افراد توجه دارند و بعد معنوی و روحی افراد را به دلیل نگاه‌های مادی‌گرایانه مورد توجه قرار نمی‌دهند و این در حالی است که انسان‌شناسی از منظر اسلامی بعد روحی و معنوی افراد را بعدی بسیار مهم دانسته و تأثیر آن را در ابعاد مادی و روانی افراد نیز بسیار مهم می‌داند. همین موضوع سبب شده که عوامل مؤثر بر شادمانی افراد نیز در جریان اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی نیز متفاوت باشد. دستاوردهای حاصل از انسان‌شناسی اسلامی دلالت بر آن دارد که انسان دارای نیازهای ۵ گانه‌ای است که پاسخ دادن به این نیازها اسباب آرامش و شادی وی را فراهم می‌آورد. نیازهای وجود و زیستی، نیازهای ایمنی، نیازهای محبت و تعلق، نیاز به کرامت و احترام و نیاز به کمال و خود شکوفایی شاکله اصلی نیازهای انسان از منظر اسلام است. به همان نسبت که به این نیازها پاسخ داده شود، انسان‌ها احساس شادمانی بیشتری خواهند داشت. لذاست که این مقاله با در نظر گرفتن این ۵ نیاز، به شاخص‌سازی در زمینه علل شادمانی انسان پرداخت و مؤلفه‌های اصلی آن را به شرح زیر استخراج کرد. بررسی نقاط اشتراک و افتراق مؤلفه‌های شادکامی از منظر اسلام و اقتصاد متعارف دلالت بر آن دارد که عدم توجه به بعد معنوی و روحی انسان‌ها در اقتصاد متعارف وجه تمایز مؤلفه‌های شادکامی از منظر اسلام است. لذاست که می‌توان گفت مؤلفه‌های شادکامی در غرب ناقص هستند و در مواردی که به ابعاد مادی و روانی انسان مراجعه کنیم، مؤلفه‌هایی هستند که تا حدودی قابل اتکایند. جمع بندی این تحقیق از مؤلفه‌های شادمانی از منظر اسلام در نمودار زیر آمده است:

### نمودار (۱) - مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شادمانی جامعه از منظر اقتصاد اسلامی

مؤلفه‌های وجودی و زیستی	<ul style="list-style-type: none"><li>• تولید ناخالص ملی سرانه</li><li>• شاخص‌های نابرابری</li><li>• شاخص‌های مربوط به فقر و حداقل‌های معیشتی</li><li>• سایر شاخص‌های فرعی: مسکن، بهداشت، محیط زیست و ...</li></ul>
مؤلفه‌های مربوط به ایمنی	<ul style="list-style-type: none"><li>• سطح مخارج دولت در حوزه دفاع و امنیت</li><li>• میزان تخلفات و بزهکاری اجتماعی</li><li>• میزان پرداخت صدقه و زکات</li><li>• اقامه نماز</li></ul>
مؤلفه‌های محبت و تعلق	<ul style="list-style-type: none"><li>• نسبت ازدواج‌های موفق به ازدواج‌های ناموفق</li><li>• میزان صداقت و حسن معاشرت</li></ul>
مؤلفه‌های نیاز به کرامت و احترام	<ul style="list-style-type: none"><li>• عقل، خرد و سطح علمی جامعه</li><li>• عفت و پاکدامنی</li><li>• درک مردم از فساد</li></ul>
مؤلفه‌های نیاز به کمال و خودشکوفایی	<ul style="list-style-type: none"><li>• میزان اهمیت مردم به مناسک اسلامی</li><li>• بینش و بصیرت</li></ul>

(مأخذ: دستاوردهای تحقیق)

این شاخص‌ها قابلیت آزمون تجربی دارند که می‌تواند موضوع مطالعات آتی باشد.

## منابع

- ارویی یزدانی، بدرالدین؛ (۱۳۷۲)، بررسی مقایسه‌ای انگیزش در فرهنگ غربی و فرهنگ اسلامی، **فصلنامه دانش مدیریت**، شماره ۲۳، ۵-۱۴.
- اسکندری، جمال، (۱۳۹۲)، **مقایسه اثرات تورم و بیکاری بر شادمانی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان.
- اسکندری، محمد حسین، (۱۳۷۶)، **اخلاق در قرآن**، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- افشارپور، فاطمه، (۱۳۸۸)، **شادی از منظر آیات و روایات**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده علوم انسانی
- افشاری، زهرا، دهمردی، لعیاء، (۱۳۹۳)، بررسی اثر فقر، نابرابری درآمد و شاخص توسعه انسانی بر شادکامی در کشورهای منتخب، **فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهراء (س)**، سال دوم، شماره ۵، ۳۱-۵۹.
- اکبری دهبزیری، مرتضی، (۱۳۹۱)، **مبانی انسان‌شناسی اخلاق اقتصادی از منظر قرآن و روایات شیعی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دانشکده الهیات.
- آروانه، بهزاد، داودی، محمد، (۱۳۹۰)، تحلیل و بررسی فطرت در آثار استاد شهید مطهری، **مجله معرفت کلامی**، سال دوم، شماره اول، ۱۰۱-۱۲۶.
- آصف نژاد، مژگان، (۱۳۹۰)، **اخلاق اقتصادی با تأکید بر رابطه فرد و دنیا از دیدگاه قرآن**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، دانشکده الهیات و علوم اسلامی.
- پناهی، علیا حمد، (۱۳۸۸)، عوامل نشاط و شادی در همسران از منظر دین و روان‌شناسی، **مجله معرفت**، سال هجدهم، شماره ۱۴۸، ۱۵-۳۸.
- ترک زاده، جعفر، زینعلی، فاطمه، (۱۳۹۱)، بررسی مقایسه‌ای رویکردهای غربی و اسلامی به انگیزش: به سوی توسعه دانش بومی، **اسلام و مدیریت**، سال ۱، شماره ۲، ۷-۳۰.
- تقی زاده، محمد احسان و فاطمه زمانی، ۱۳۹۳، تأثیر شادی و شاد زیستن در پیشبرد اهداف زندگی، **اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران**، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.
- جعفری، بهاره، (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی مفهوم شادی و نشاط از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی، **کنفرانس شرکت علمی و پژوهشی و مشاوره‌ای آینده ساز**، تهران.
- جعفری، محمد تقی، (۱۳۷۲)، یک بحث بنیادین در ریشه‌های انگیزش برای فعالیت‌های مدیریت در جامعه اسلامی و نقد نظریه انگیزش در دوران معاصر، **مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت اسلامی**، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.



- جعفری، محمد، (۱۳۹۶)، سنجش عوامل مؤثر بر شادمانی در کشورهای اسلامی، **پژوهش نامه اقتصاد کلان**، سال یازدهم، شماره ۲۲، ۶۵-۸۴.
- چلیبی، مسعود، موسوی، سید محسن، (۱۳۸۷)، بررسی جامعه شناسی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطح خرد و کلان، **جامعه شناسی ایران**، دوره نهم، شماره ۱ و ۲، ۳۴-۵۷.
- خسرو پناه، عبدالحسین، (۱۳۸۴)، انسان شناسی اسلامی به مثابه انسان شناسی اجتماعی، **پژوهش های تربیت اسلامی**، ۱.
- داوودی، رشید، (۱۳۹۷)، **مؤلفه های شناخت انسان در نگرش اسلام و غرب**، پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران.
- دهقانی، حمید، اکبر زاده، فاطمه، خوش فر، غلامرضا، ربانی، رسول، (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر سرمایه اقتصادی بر شادی جوانان، **راهبرد فرهنگ**، شماره ۱۲ و ۱۳، ۱۵۹-۱۸۲.
- رجایی، علی رضا، بیاضی، محمد حسین، حبیبی پور، حمید، (۱۳۸۸)، باورهای مذهبی، بحران هویت و سلامت عمومی جوانان مجله روان شناسی تحولی، **روانشناسان ایرانی**، شماره ۲۲، ۹۷-۱۰۷.
- رستمی، مریم، (۱۳۸۴)، شادی در اسلام، گنجینه، شماره ۵۴، صفحه ۹۷.
- سجادی، سید ابراهیم، (۱۳۷۷)، نخستین انسان از نگاه های بشری، **پژوهش های قرآنی**، شماره ۱۵: ۸۱.
- سلطانی، محمد رضا؛ (۱۳۹۲)، درآمدی بر شناسایی نیازهای انسان از دیدگاه قرآن با تأکید بر برتری نیازهای معنوی در سلسله مراتب نیازها، **دوفصل نامه علمی پژوهشی مدیریت اسلامی**.
- صفاتیان، فروزنده، (۱۳۹۵)، **مقایسه اثرات هزینه های دولت بر شادمانی در دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته**، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اداری، دانشگاه سمنان.
- صمدی قربانی، ساجد، طغیانی، مهدی، (۱۳۹۵)، تحلیل انتقادی «شاخص جهانی شادی» با رویکرد اسلامی، **دو فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی**، شماره ۱۵، ۹۳-۱۰۶.
- صمدی قربانی، ساجد، (۱۳۹۵)، **تحلیل انتقادی شاخص های موجود توسعه اقتصادی و پیشنهاد شاخص های ارزیابی برای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت (با تأکید بر شاخص شادی)**، اصفهان: پایان نامه ارشد مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی راغب اصفهانی.
- عابدی، محمدرضا، (۱۳۸۱)، **بررسی و مقایسه اثر بخشی روش های مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی، سازگاری شغلی و مدل شناختی رفتاری فوردایس بر کاهش افسردگی شغلی مشاوران آ، پ، شهر اصفهان**، پایان نامه دکتری مشاوره، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- عامری مهر، فاطمه، (۱۳۸۳)، چگونه تفریح کنیم، **بشارت**، شماره ۴۵: ۴۶.

- عباس زاده، محمد، علیزاده اقدم، محمداقبر، کوهی، کمال، علی پور، پروین، (۱۳۹۰)، انواع سرمایه‌ها، حلقه مفقوده در تبیین شادکامی دانشجویان، (دانشجویان دانشگاه تبریز)، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال سیزدهم، شماره ۵۱، ۲۱۵-۲۴۴.
- علوی، ح، (۱۳۸۸)، بررسی رابطه میزان احساس شادی با نوع رفتار در دانشجویان مختلف دانشگاه‌های شهر کرمان، **ترویج اسلامی**، سال ۴(۹): ۹۵-۱۲۳.
- فروزنده دهکردی، لطف الله، فروغی نیا، خورشید، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر دیدگاه‌های انسان‌شناسی اسلامی و غربی بر نظام ارزشی سازمان، **اسلام و پژوهش‌های مدیریتی**، سال سوم، شماره ۱، ۱۹-۴۲.
- کج باف، محمداقبر، سجادیان، پریناز، کاویانی، محمد، انوری، حسن، (۱۳۹۰)، رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان، **فصل‌نامه روانشناسی دین**، ۴(۴): ۶۱-۷۴.
- کرمی نوری، رضا، مکرری، آذرخش، محمدی فر، محمد، یزدانی، اسماعیل، (۱۳۸۱)، مطالعه عوامل مؤثر بر شادی و بهزیستی در دانشجویان دانشگاه تهران، **مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی**، ۱(۳۲): ۳-۴۱.
- لقمانی، محمود، (۱۳۸۰)، **نگاهی نو در آیین معارف به خنده، شوخی، شادمانی**، تهران، عطر سعادت.
- محمد زاده، پرویز، اصغر پور، حسین، منیعی، امید، (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر درآمد بر شادی نیروی کار در ایران، **مجله تحقیقات**، ۴۸، ۱۳۹-۱۵۸.
- محمدیان منصور، صاحب، گل خندان، داوود، خوانساری، مجتبی، گل خندان، ابوالقاسم، (۱۳۹۴)، تحلیل عوامل اجتماعی- اقتصادی مؤثر بر شادی، **فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی**، دوره ۷، شماره ۱۲۵، ۲۵-۱۶۳.
- مصباح، محمد تقی، (۱۳۷۹)، **پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی.
- میر شاه جعفری، ابراهیم، عابدی، محمدرضا، دریکوندی، هدایت الله، (۱۳۸۱)، شادمانی و عوامل مؤثر بر آن، **تازه‌های علوم شناختی**، سال ۴، شماره ۳، ۵۹-۵۰.
- نبوی، عباس، (۱۳۷۶)، انسان و جامعه توسعه یافته از دیدگاه اسلام، **مجله دانشگاه اسلامی**، شماره ۲، ۳۸-۶۱.
- نصری، عبدالله، (۱۳۷۱)، **سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب**، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- واثق غزنوی، قادرعلی، (۱۳۹۰)، جایگاه انسان‌شناسی در سازمان و مدیریت از دیدگاه اسلام و غرب، **اسلام و پژوهش‌های مدیریتی**، شماره ۲، ۴۰-۵۰.
- الوانی، مهدی، (۱۳۷۹)، **مدیریت عمومی**، نشر نی، تهران.
- ولی زاده، صمد (بی‌تا)، (۱۳۸۰)، زندگی شادمانه، **انتشارات نگرش روز**، تهران: ۱۵۷-۱۸۴.
- یارخدا، سید جمال، (۱۳۹۵)، بررسی تحلیلی نشاط و شادکامی و عوامل موثر آن و میزان تأثیر مهم‌ترین عوامل در بین معلمان مدارس، **پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری**، سال دوم، شماره ۴، ۴۱-۵۵.

- Banchflower, D.G. (1991). Unemployment and Flexibility/ **Economic Journal**. 10(406). (483-469)
- Campante, F. & Yanagizawa-Drott, D. (2013). **Does Religion Affect Growth and Happiness? Evidence from Ramadan**. NBER Working Paper
- Clark, A. E. Frijters, P. & Shields, M. A. (2008). Relative income, happiness and utility: An Explanation for the easterlin paradox and other puzzles. **Journal of Economic Literature**. 46(1): 95-144.
- Csiksentimihaly, M. (1997). If we are so rich, why are not happy? **American psychologist**. 54(10). 821-827.
- Di Tella, R. MacCulloch, R. J. & Oswald, A.J. (2003). The Macroeconomics of Happiness. **Review of Economics and Statistics**. 85 (4): 809- 827
- Frey, B.S. & Stutzer, A. (2000). Happiness, Economy and Institutions. **Economic Journal**. 110 (446): 918-938.
- Gropper, D.M. Lawson, R.A. & Thorne Jr, J.T. (2011). Economic Freedom and Happiness. **Cato Journal**. 31 (2): 237-255.
- Headey, B. Schupp, J. Tucci, I. & Wagner, G.G. (2010). Authentic Happiness Theory Supported by Impact of Religion on Life Satisfaction: A Longitudinal Analysis with Data for Germany. **The Journal of Positive Psychology**. 5 (1): 73-82.
- Helliwell, J. Christopher P. Barrington-Leigh, H. A. and Huang, H. (2009). **International Evidence on the Social Context of Wellbeing**. *NBER Working Paper 14720*.
- Kenny, C. (1999). Does Growth Cause Happiness, or Does Happiness Cause Growth?. **KYKLOS**. 52: 3-26. Washington, DC
- Li, B. & Lu, Y. (2009). Happiness and Development: The Effect of Mental Well-being on Economic Growth. **Conference on Improving the Human Destiny**. 11-12 June 2009. Lingnan University. 1-17.
- Lim, Ch. & Putnam, R. D. (2010). Religion, Social Networks and Life Satisfaction. **American Sociological Review**. 75 (6): 914-933
- Tao, H. L. (2008). What Makes Devout Christians Happier? Evidence from Taiwan. **Applied Economics**. 40 (7): 905-919
- Veenhoven, R. (1989). National Wealth and Individual Happiness. **Understanding Economic Behaviour**. 11: 9-32
- Veenhoven, R. & Magerty M.R. (2003). Wealth and Happiness revisited: Growing Nationality income does Go with Greater Happiness. **Social Indicators Research**. 64(3).
- WWW.Dickey. Org/happy.htm.